

**Article Type: Research paper**

Causal Layered Analysis of the Spread of the Phenomenon of Islam-Ophobia in the West

***Akram Khalifeh¹, Zahed Ghaffari Hashjin², Ayoub Nikunahad³**

1. PhD Candidate in Islamic Revolution Political Studies, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran.

2. Professor of Political Science, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor and Faculty Member, Faculty of Basic Sciences, Khatam Al-Anbia Air Defense University, Tehran, Iran.

Article Info.

Received: 25/05/2024**Accepted:** 16/11/2025**Available Online:** 11/9/2025

Keywords:

Islamophobia, West, causal layered analysis, Islamic world.

* Corresponding Author:

Akram Khalifeh**Address:** PhD Candidate in Islamic Revolution Political Studies, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran.**E-mail:**

a.khalife9696@shahed.ac.ir

Abstract

Although the issue of Islamophobia and Islamophobia in the West is a historical phenomenon and has manifested itself in various forms in the West since the emergence of Islam until today, in recent decades the issue of Islamophobia and insults to Muslim beliefs in the West has become more intense and, despite the new media of communication, this category has become more prominent. The current research seeks to answer the question of what are the roots and causes of the spread of Islamophobia in the West? The tool for answering this question is the use of the method of causal layer analysis, which is one of the common methods in futures studies. The data related to each of these layers was obtained through two methods: environmental survey of texts and interviews with 7 experts who have written works in this field.

The research findings indicate that the roots and causes of Islamophobia in the West encompass a range of issues from objective layers and political, social, etc. causal systems to the layers of discourse-worldview and myth-metaphor. The theorization and social expansion of Islamophobia in the West is not an action but a passive and desperate reaction to the growing wave of Islamism and Islamism that has challenged the intellectual and cultural foundations of the West, and in the future this trend of Islamophobia and Islamophobia will spread in the West.

How to Site:

khalife, A., Ghaffari Hashjin, Z. and nikunahad, A. (2025). Causal Layered Analysis of the Spread of the Phenomenon of IslamOphobia in the West. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3), pp



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

تحلیل لایه‌های علی گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب

* اکرم خلیفه^۱، زاهد غفاری هاشجین^۲، ایوب نیکونهاد^۳

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۲. استاد علوم سیاسی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۳. استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا (ص)، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۵ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۲۵ آبان ۱۴۰۴
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

چکیده

مسئله اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب گرچه یک پدیده تاریخی بوده و از زمان ظهور اسلام تا کنون به شکل‌های مختلف نمایان شده است؛ در دهه‌های اخیر، ظهور و بروز آن شدت بیشتری گرفته و با وجود رسانه‌های نوین ارتباطی این مقوله برجسته‌تر نیز شده است. پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که ریشه‌ها و علل گسترش اسلام‌هراسی در غرب چیست؟ ابزار پاسخگویی به این پرسش بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌های علی به عنوان یکی از روش‌های متداول آینده‌پژوهی است که داده‌های مرتبط با هریک از لایه‌ها از دو طریق پیمایش محیطی متون و مصاحبه با ۷ نفر از خبرگان، که صاحب آثاری در این حوزه بوده‌اند، به دست آمده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ریشه‌ها و علل اسلام‌هراسی در مغرب‌زمین دربرگیرنده طیفی از مسائل از لایه‌های عینی و نظام‌های علی سیاسی، اجتماعی و... تا لایه‌های گفتمان-جهان‌بینی و اسطوره-استعاره است. تنوریزه شدن و بسط اجتماعی اسلام‌هراسی در غرب نه یک کنش، بلکه واکنشی منفعلانه و از سر استیصال در برابر موج رو به گسترش اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی است که بنیان‌های فکری و فرهنگی غرب را به چالش کشیده و در آینده این روند اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب گسترش پیدا خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها:

اسلام‌هراسی، غرب،
تحلیل لایه‌های علی،
جهان اسلام.

* نویسنده مسئول:

اکرم خلیفه

نشانی: دانشجوی دکتری مطالعات
سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده
حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
پست الکترونیک:
a.khalife9696@shahed.ac.ir

استناد به این مقاله:

خلیفه، اکرم، غفاری هاشجین، زاهد و نیکونهاد، ایوب. (۱۴۰۴). تحلیل لایه‌های علی گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۷(۳)، صص

۱. مقدمه

طبق گزارش رسانه‌های فرانسه، در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹، در نزدیکی برج ایفل، دوزن، دوزن دیگر را چاقو زدند. به محض شنیدن این خبر کوتاه، علت‌های احتمالی زیادی ممکن است به ذهن خطور کند و در بین حوادث بسیار این‌چنینی، خبر چندان مهمی به نظر نرسد، اما اگر خبر این‌گونه درج شده باشد که «در نزدیکی برج ایفل، دوزن، دوزن دیگر را که روسری بر سر داشتند، چاقو زدند و سعی کردند نقاب آن‌ها را درآورند.» (Akbari, 2021: 219) احتمالاً سؤالات و پاسخ‌های ذهنی ما در رابطه با انگیزه‌های این اقدام در کشور مدعی مهد آزادی یعنی فرانسه از حجم و عمق بیشتری برخوردار بوده، در بیشتر رسانه‌های جهان مطرح و تحلیل‌ها و واکنش‌های گوناگونی را به دنبال خواهد داشت. به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خبرهایی از جنس تخریب مساجد، اهانت به مقدسات اسلامی، آتش زدن قرآن، خشونت و طرد و تبعیض علیه مسلمانان و... در جوامع اروپایی و آمریکایی و در یک معنای کلی غرب، به امری عادی و روزانه تبدیل شده است. تمام این اتفاقات ما را به یک واژه می‌رساند: «اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی».

«اسلام فوبیا»^۱ از ترکیب اسلام و فوبیا تشکیل شده است. فوبیا به معنای بیزاری یا ترس غیرعقلانی و غیرمعقول از چیزی است. سؤالی که از ترکیب این دو واژه به ذهن می‌رسد آن است که به چه علت این ترس یا این بیزاری نامعقول در جامعه غربی و در ذهن انسان غربی از اسلام وجود دارد؟ چطور می‌شود در مهد آزادی بیان و مهد تمدن غربی و اروپایی، دوزن سفیدپوست با ظاهری اروپایی به دوزن مسلمان عرب محجبه با چاقو حمله‌ور شده و آسیب جدی وارد کنند؟ (Quoted from Euronews on 2020/10/21) آیا دلایل و علت‌های سطحی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به‌تنهایی می‌توانند پاسخی قانع‌کننده برای علت بروز چنین اتفاقاتی داشته باشند؟ از این رهگذر است که به نظر می‌رسد آنچه در لایه‌های رویین جوامع غربی اعم از اروپایی و آمریکایی با تیرهای خبری کوتاه در حال رخ دادن است، ریشه در لایه‌های زیرین ذهن و تاریخ انسان و جامعه غربی دارد.

یافتن علل اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی از این رو حائز اهمیت و ضرورت است که روزبه‌روز شاهد شدت یافتن چنین افکار و رفتارهایی نه‌تنها در اندیشه خبرگان، بلکه در افکار عمومی جوامع غربی در مواجهه با اسلام و میلیون‌ها مسلمان هستیم. بر این اساس، هدف اصلی

1. Islamophobia

پژوهش، تحلیل لایه‌های علی اسلام‌هراسی در غرب و اهداف فرعی آن، تبیین لایه‌های عینی/لیتانی و شناسایی و تحلیل لایه‌های نظام‌های علی، گفتمان -جهان‌بینی و اسطوره- استعاره پدیده اسلام‌هراسی در غرب برای ارائه یک تحلیل جامع و علمی از مسئله اسلام‌هراسی در غرب در چهارچوب روش تحلیل لایه‌های علی و ترسیم سناریوهای آینده آن است. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از:

ریشه‌ها و علل گسترش اسلام‌هراسی در غرب مبتنی بر روش تحلیل لایه‌های علی دربرگیرنده چه علل و عواملی است؟

و سؤال‌های فرعی عبارت‌اند از:

۱- نشانه‌های عینی گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در طی دهه‌های اخیر چگونه قابل تحلیل است؟

۲- گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در سطح نظام‌های علی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و...) دربرگیرنده چه لایه‌هایی است؟

۳- گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در سطح نظام جهان‌بینی -گفتمان دربرگیرنده چه لایه‌هایی است؟

۴- گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در سطح نظام اسطوره- استعاره دربرگیرنده چه لایه‌هایی است؟

این پژوهش در پی آن است تا با استفاده از روش تحلیل لایه‌های علی به‌عنوان روشی مناسب در تحلیل وقایع فرهنگی - اجتماعی و از دو طریق پیمایش محیطی متون و مصاحبه با خبرگان، به سؤالات پژوهش پاسخ دهد.

۲. پیشینه تحقیق

آجیلی، قاسمی و دانش‌نیا (۲۰۱۶) در کتاب «بازیگران گفتمان اسلام‌هراسی در غرب» با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان، به بیان پیشینه‌ای از اسلام‌هراسی ذیل گفتمان شرق‌شناسی پرداخته و بازیگران دولتی و غیردولتی و اتاق فکرهای این جریان در کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار داده‌اند.

رستمی‌پور (۲۰۲۱) در کتاب «اسلام‌هراسی و راهکارهای رسانه‌ای مقابله با آن»، با ذکر نظریاتی مثل برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و شرق‌شناسی ادوارد سعید، چهارچوب

نظری مناسبی را جهت بررسی اسلام‌هراسی به دست می‌دهد.

اکبری (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «تشدید اسلام‌هراسی در اروپا: عوامل و پیامدها (با تأکید بر نحوه بازنمایی رسانه‌ای مسلمانان)» سعی در تبیین علل و پیامدهای اسلام‌هراسی و نمود رسانه‌ای آن در اروپا دارد. با وجود اینکه وی چهارچوب نظری خود را شرق‌شناسی ادوارد سعید و نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون بیان می‌کند، اما بیشتر به لایه علی و لیتانی (ونه گفتمانی) اسلام‌هراسی در اروپا اشاره دارد.

عامری گلستانی و قادری (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی» بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه سعی در پاسخ به این سؤال دارند که بر اساس مکانیزم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام‌هراسی چگونه به گفتمانی مسلط تبدیل شده است؟

عیسی‌زاده و شرف‌الدین (۲۰۱۷) در مقاله «نظریه برخورد تمدن‌ها چهارچوب مفهومی درک اسلام‌هراسی» از منظری نظری، رابطه اسلام و غرب را به دو مدل تقابلی و تعاملی تقسیم‌بندی نموده و به بررسی نظریه‌های گوناگون ذیل آن‌ها می‌پردازند.

مرشدی‌زاد و غفاری هاشجین (۲۰۰۸) در مقاله «اسلام‌هراسی در اروپا: ریشه‌ها و عوامل» با طرح این پرسش که چرا اسلام‌هراسی در اروپا به وجود آمده است؟ به عللی مانند مهاجرت و تقابل فرهنگی مهاجران مسلمان با بومیان اروپایی، ایدئولوژی اسلام سیاسی و سلفی‌گری، نژادپرستی و حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کنند.

کاریپک (۲۰۲۰) در مقاله «تصویری از جهاد: علت اسلام‌هراسی»، به بررسی علت اسلام‌هراسی در آمریکا پرداخته و ضمن بررسی مفهوم جهاد، نحوه بازنمایی این مفهوم در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های آمریکایی را نیز مورد مذاقه قرار می‌دهد.

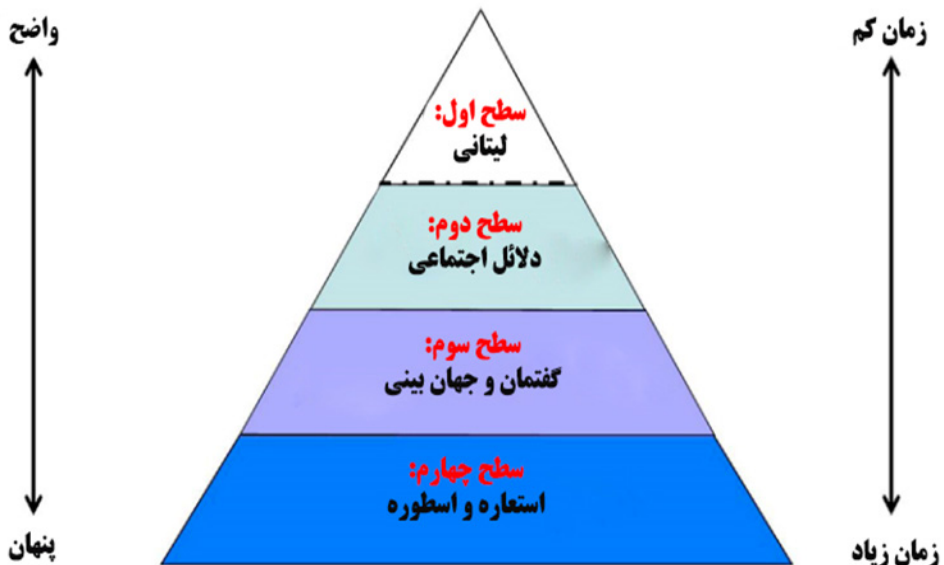
طبق بررسی‌های نویسندگان، بیشتر آثار و پژوهش‌های مرتبط با اسلام‌هراسی از منظری ژورنالیستی نگارش یافته یا معطوف به کشور یا چهارچوب نظری خاصی بوده است. پژوهش‌هایی هم که به دنبال بررسی زمینه‌ها و علل اسلام‌هراسی بوده‌اند، عموماً در لایه اول و دوم (لایه لیتانی و اجتماعی) باقی مانده و به لایه‌های سوم و چهارم (لایه گفتمان - جهان‌بینی و لایه استعاره - اسطوره) ورود کمتری داشته‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده

از روش تحلیل لایه‌های علت‌ها، هر چهار لایه (لیتانی، علی، گفتمان - جهان‌بینی و استعاره - اسطوره) را در کلیت غرب در مفهوم تمدنی و فرهنگی آن بررسی کند.

۳. روش تحقیق

سهیل عنایت‌الله در سال ۱۹۹۸ روش تحلیل لایه‌های علی را برای نخستین بار مطرح کرد. هدف از پیاده‌سازی روش، ساخت‌شکنی پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل است. در واقع کانون تمرکز این روش گسترش عمودی فضای آینده یا همان لایه‌های زیرین و ضمنی پدیده‌هاست. (Inayatullah, 2013: 9-11)

مطابق روش لایه‌ای علی زمانی که در خصوص موضوعی قصد آینده‌پژوهی داریم، باید طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی شکل‌دهنده به آینده را مطابق شکل زیر مورد توجه قرار داد (Inayatullah, 2004: 11-15)



نمودار ۱. الگوی روشی تحلیل لایه‌های علی (Inayatullah, 1998)

۱- سطح لیسانی به‌عنوان بدیهی‌ترین سطح، معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته‌شده از واقعیت است. در این سطح هیچ چیزی مورد نقد و پرسش قرار نگرفته، وقوع آینده برای همه پذیرفته شده و از حیث کمی، داده‌ها و اطلاعات بسیاری در خصوص آن در رسانه‌ها منتشر شده است. در واقع در این سطح، واقعیت مسائل و پدیده‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی سیاسی-اجتماعی به‌عنوان امری بدیهی و غیرقابل انکار است.

۲- سطح علت‌های اجتماعی که معرف دیدگاه سیستمیک است. در این سطح، داده‌های سطح لیسانی توضیح داده شده و مورد سوال قرار می‌گیرند. سطح دوم به علت‌های اجتماعی (عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی و...) می‌پردازد. در این لایه، نقش دولت و سایر کنشگران، خاصه گروه‌های فشار پررنگ می‌شود.

۳- لایه سوم ناظر بر فهم ساختار، جهان‌بینی و گفتمانی است که نه تنها پشتیبان دعاوی معرفتی مرتبط با آینده است، بلکه به این دعاوی مشروعیت بخشیده و علت‌های اجتماعی به وجود آورنده مسئله عینی (لایه اول) را شکل می‌دهند. این لایه بر تصویر بزرگ و پارادایمی متمرکز است که باعث می‌شود ما پدیدارها و رخداد‌های عالم را واقعی یا غیرواقعی بدانیم.

۴- لایه چهارم که ناظر بر فهم اسطوره‌ها و استعاره‌هایی است که به شیوه‌ای ناخودآگاه به شکل‌گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلطی که به وجود آورنده علت‌های اجتماعی و مسئله عینی شده است، کمک می‌کنند. در این لایه، عمیق‌ترین روایت‌ها، طرح‌ها و تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به آینده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. (Inayatullah, 2009)، بدین ترتیب می‌توان گفت روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از جمله روش‌هایی است که بر اساس آن می‌توان با شناخت عوامل مختلف تأثیرگذار بر مسائل و پدیده‌ها، سناریوهایی در ارتباط با آینده مطرح نمود.

جهت انجام پژوهش، داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۷ نفر از خبرگان، که به‌صورت هدفمند ساده و از میان افرادی که دارای آثار قلمی در این حوزه بوده‌اند، جمع‌آوری شده، در نهایت تجمیع گزاره‌ها در هر لایه انجام و بر اساس وضعیت هر علت در هر لایه و سطح، سناریوها در سه وضعیت خوشبینانه، بدبینانه و ادامه وضع موجود نگارش یافته است.

۴. چهار چوب مفهومی پژوهش

۴-۱. چیستی اسلام‌هراسی

آنچه در زبان فارسی «اسلام‌هراسی» یا «اسلام‌ترسی» نام گرفته است، برای اولین بار در فرانسه توسط نقاشی فرانسوی به نام آلفونسه دین و روشنفکری الجزایری به نام سلیمان بن ابراهیم با واژه «islamophobie» به کار برده شده است. البته بر اساس دیکشنری آکسفورد، این واژه برای نخستین بار در مجله «مطالعات الهیات» به سال ۱۹۲۳ مورد استفاده قرار گرفته است. (Ajili et al., 2016: 54) واژه انگلیسی «islamophobia» مشکل از دو واژه «is-lam» حرف مابعد کلاسیک «o» و «phobia» به معنای ترس، بی‌زاری یا نفرت غیرعقلانی و نامعقول از چیزی است. (Seyyed Emami and Hosseini Faeq, 2012: 101) «التخویف من الاسلام» نیز معادل این واژه در زبان عربی است. (Nazari, 2016: 123) این اصطلاح با انتشار گزارش موسسه رانیمد تراست به حوزه عمومی وارد شد. (Ajili et al., 2016: 53) و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به طور وسیع مورد استفاده قرار گرفت. (Morshedizad and Ghaffari Hashjin, 2008: 114)

تعریف اسلام‌هراسی در فرهنگ آکسفورد عبارت است از: «ناسازگاری یا تعصب علیه اسلام یا مسلمانان، به خصوص به عنوان یک نیروی سیاسی» (Rostamipour, 2021: 27) به طور کلی، اسلام‌هراسی در بردارنده هر نوع پیش‌داوری، ترس و تبعیض نامعقول علیه اسلام و مسلمانان است. (Morshedizad and Ghaffari Hashjin, 2008: 114) با این حال، بر اساس دایره‌المعارف مطالعات قومی - نژادی، با وجود رشد فزاینده اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی به خصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، هنوز تعریف دقیق و جامعی از اسلام‌هراسی صورت نگرفته است. (Fayaz and Nadi, 2019: 41)

۴-۲. مفهوم غرب

شهریار زرشناس در کتاب «مبانی نظری غرب مدرن» به دنبال پاسخ به این سال که منظور از غرب و شرق چیست؟ تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را مطرح می‌کند:

بر این اساس، از منظری عرفانی، شرق نماد نور و طلوع خورشید و حقیقت بوده و غرب نماد ظلمت و غروب خورشید و حقیقت است. (Zarshinas, 2013: 16)

از منظر سیاسی، منظور از شرق و غرب، همان بلوک شرق سوسیال به رهبری شوروی و بلوک غرب لیبرال به رهبری آمریکا در سال‌های جنگ سرد است. (Zarshinas, 2013: 16)

از منظر جغرافیایی، جغرافیا و مکانی به نام شرق و غرب در معنای ژئوپلیتیکی آن مدنظر است.

از منظر تاریخی و فرهنگی، شرق به معنای دوره آغازین تاریخ بشریت با مبنای معرفت‌شناختی الهام و شهود و باور به غیب تا قرن نهم و هشتم قبل از میلاد است که یونانیان با مبنای تفکر متافیزیکی و فلسفی، پیشگام عبور از تاریخ شرق به غرب شدند؛ به طوری که طی سه دوره یونان باستان، دوره قرون وسطی و دوره مدرن، مفهوم تاریخی فرهنگی غرب با اصالت عقل جزوی خودبنیاد استیلاجو و نفسانیت‌مدار، در برابر اصالت شهود میتولوژیک و وحی قدسی عالم‌گیر شده است. بر این اساس، غرب دارای مبنای معرفت‌شناختی‌ای متفاوت از مبنای معرفت‌شناختی شرق است.

نگاه اندیشمندانی چون هانتینگتون به مفهوم غرب، نگاهی تمدنی است، اما ادوارد سعید با نگاهی گفتمانی و برساختی معتقد است؛ (Hosseini Asfidavajani, 2005: 117)

«تقسیم‌بندی‌های محلی و منطقه‌ای و جغرافیایی از گونه «مشرق‌زمین» و «مغرب‌زمین» ساخته بشر هستند.» (Said, 2011: 24)

در پژوهش حاضر منظور از غرب، همان مفهوم تاریخی فرهنگی و گفتمانی غرب است.

۴-۳. اسلام‌هراسی در غرب

به علت گستردگی و پیچیدگی ابعاد موضوع اسلام‌هراسی و نبود ابزار شناختی یا اندازه‌گیری مناسب، یک نظریه جامع، که توضیح‌دهنده تمامی ابعاد این مسئله باشد، وجود ندارد. در رابطه با این موضوع بیشتر می‌توان از چهارچوب مفهومی (سلسله‌ای از مفاهیم و نظریات مرتبط) سخن به میان آورد تا یک چهارچوب نظری خاص و مشخص. (Rostamipour, 2021: 53)

نظریاتی مانند شرق‌شناسی، برخورد تمدن‌ها، نژادپرستی فرهنگی و چندفرهنگ‌گرایی از جمله مهم‌ترین چهارچوب‌های مفهومی و پایه‌های نظری در این زمینه هستند. (Isazadeh and Sharafuddin, 2017: 38)

در ادامه، دو نظریه «شرق‌شناسی» ادوارد سعید و «برخورد تمدن‌ها» ی ساموئل هانتینگتون به‌عنوان پرقاب‌ترین نظریات برای درک ابعاد نظری اسلام‌هراسی در غرب ارائه می‌شوند.

۴-۳-۱. شرق‌شناسی

«شرق‌شناسی» به معنای جمعی از دانش‌ها و فعالیت‌های شناختی مربوط به شرق است که بر اساس تجربه متراکم و تاریخی غربی‌ها در تماس و مواجهه با دین، فرهنگ، تمدن و ارزش‌های شرقی شکل گرفته است. (Sharafuddin et al., 2018: 118) این واژه برای اولین بار در فرهنگ آکسفورد، در سال ۱۷۶۹ میلادی به کار رفت. (Qanbarlou, 2011: 105)

نخستین تلاش‌های غرب برای شناخت شرق، توسط راهبان و کشیشان کلیسا آغاز شد. این تلاش در سیر تاریخی خود چهار مرحله را پشت سر گذاشته است: مرحله اول مربوط به زمانی است که اندلس به دست مسلمانان فتح و شرق‌شناسان متأثر و متحیر توانایی و پیشرفت فرهنگی و علمی مسلمانان بودند. مرحله دوم پس از پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی است که همچنان برتری شرق (جهان اسلام) بر غرب در چشم شرق‌شناسان نمایان است. در مرحله سوم و پس از رنسانس غرب، ورق برتری شرق بر غرب برگشته، شرق‌شناسی شکل آکادمیک به خود گرفته و در خدمت سیاست استعماری غرب به تقبیح و تحقیر شرق فرودست در برابر غرب فرادست می‌پردازد. مرحله چهارم نیز مربوط به دهه‌های اخیر و پس از جنگ جهانی دوم است که شرق‌شناسان سعی کرده‌اند از در تفاهم و تعامل درآمده و رویکرد واقع‌گرایانه‌تری نسبت به شرق اتخاذ کنند. (Qanbarlou, 2011: 105-106)

در برابر گفتمان شرق‌شناسی، رویکردی انتقادی به نام «ضدشرق‌شناسی» توسط ادوارد سعید شکل گرفت. (Sharafuddin et al., 2018: 118) وی با استفاده از نگاه گفتمانی میشل فوکو، در اثر معروف خود «شرق‌شناسی» از دوگانه شرق و غرب سخن به میان آورده (Milani and Abazari, 2006: 106)، شرق‌شناسی را «یک شیوه غربی برای سلطه بر مشرق زمین و تغییر ساختار آن و اعمال قدرت بر آن» دانسته و معتقد است: «فرهنگ اروپایی از طریق رویارویی با جهان شرق، هویت برتر و نیروی برتر یافت.» (Said, 2011: 22)

بر این اساس، شرق‌شناسی خطی فرضی و ساختگی و غیرحقیقی میان شرق و غرب ایجاد کرده که هیچ حقیقت ماهوی نداشته و نوعی جغرافیای تخیلی و بشرساخته را ایجاد می‌کند که بر مبنای آن جهان به دو بخش «ما»، «خود»، «مغرب‌زمین»، «غرب» و «آن‌ها»، «دیگری»، «مشرق‌زمین» یا «شرق» تقسیم می‌شود. (Alipour et al., 2018: 103) بر اساس این دو قطبی، «شرق و اسلام» توسعه‌نیافته، فرودست، غیرمتمدن، بربر، منحرف، نابهنجار و «غرب»

برتر، توسعه یافته، عقلانی، متمدن و بهنجار توصیف می‌شود. (Isazadeh and Sharafuddin, 2017: 51) سعید وجه مشترک همه انواع شرق‌شناسی را «نوعی سلطه فکری بر مشرق زمین در فرهنگ غربی» می‌داند. (Ajili et al., 2016: 36)

دسوقی، با استناد به اینکه پیشگامان شرق‌شناسی، راهبان و کشیشان کلیسایی بوده‌اند، اسلام‌شناسی را جزئی از مجموعه شرق‌شناسی می‌داند، چنان‌که ادوارد سعید نیز تأکید دارد: «اسلام کانون شرق‌شناسی در نمونه خاورمیانه‌ای آن است.» (Ajili et al., 2016: 34-35) با وجود اینکه سعید هیچ‌گاه واژه اسلام‌هراسی را به کار نبرد، اما با اثر عظیم خود، شرق‌شناسی، بنای اصلی فهم عمیق اسلام‌هراسی را بنا نهاد، چنان‌که کومار نیز اسلام‌هراسی را متأثر از گفتمان شرق‌شناسی می‌داند. وجه اشتراک دو مفهوم «اسلام‌هراسی» و «شرق‌شناسی» به حدی است که برخی محققان آن را «شرق‌شناسی نو» نامیده‌اند. (Sharafuddin et al., 2018: 127-128)

۴-۳-۲. برخورد تمدنی

تاکنون نظریات بسیاری در تبیین نحوه ارتباط، تعامل و رویارویی دو تمدن اسلام و غرب مطرح شده اند که می‌توان آن‌ها را ذیل دو دسته کلی تعاملی و تقابلی تقسیم‌بندی نمود. در مدل تعاملی می‌توان به تئوری‌هایی چون «سیاست بازشناسی»، «چند فرهنگ‌گرایی» و در مدل تقابلی، به تئوری‌هایی مانند «ناهمگونی تمدن‌ها»ی ریمون آرون، «برخورد فرهنگ‌ها»ی برنارد لوئیس و «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون اشاره نمود. (Isazadeh and Sharafuddin, 2017: 38-40)

هانتینگتون نسخه اولیه نظریه «برخورد تمدن‌ها»ی خود را در سال ۱۹۹۳ میلادی (Ros-tamipour, 2021: 54) در شماره تابستان فصلنامه فارین افیرز، در قالب یک مقاله منتشر کرد. (Huntington, 2007: 17) بر اساس این تئوری، با پایان جنگ سرد، دوره کشمکش‌های سیاسی میان ملت‌ها به‌عنوان واحدهای ملی و مناقشات ایدئولوژیک کمونیسم و سرمایه‌داری به پایان رسیده و این پایان، برخلاف نظریه فوکویاما، آغازی است بر یک تقابل تمدنی. (Isaza-deh and Sharafuddin, 2017: 42)

از نظر هانتینگتون، تمدن «بالاترین سطح گروه‌بندی فرهنگی مردم و گسترده‌ترین هویت فرهنگی است که می‌توان انسان‌ها را با آن طبقه‌بندی کرد.» (Huntington, 2007: 37) وی در

توضیح نظریه خود، هفت یا هشت تمدن معاصر و زنده جهان را معرفی کرده، خطوط گسل میان این تمدن‌ها را عامل تقابل و درگیری‌های آتی جهان دانسته (Huntington, 2007: 22) و معتقد است در آینده، دو تمدن اسلامی و کنفوسیوسی بیش از سایر تمدن‌ها، در تقابل تمدنی با غرب قرار خواهند گرفت. (Zarean and Amir Mazaheri, 2016: 101)

وی با بیان این جمله که «مرزهای اسلام خونین است»، به خصومت و تعارض ۱۴۰۰ ساله غرب و اسلام اشاره داشته و با پیش‌بینی حوادث خونین میان این دو تمدن در آینده (Ajili et al., 2016: 70)، از پرچم‌داران و نظریه‌پردازان اصلی اسلام‌هراسی در غرب است. (Isazadeh and Sharafuddin, 2017: 47)

با ابزار نظری و فکری که دو نظریه شرق‌شناسی و برخورد تمدنی به دست می‌دهند بهتر می‌توان لایه‌های گوناگون علت اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب را درک، تحلیل و تبیین نمود.

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. لایه لیتانی گسترش اسلام‌هراسی در غرب

با وجود ریشه‌دار بودن مسئله اسلام‌هراسی در غرب، آمارها نشان از آن دارند که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این مسئله ابعاد اجتماعی، سیاسی، امنیتی، حقوقی، قانونی و... پیچیده‌تری یافته و با تبلیغات گسترده رسانه‌ای، افکار عمومی را بیش‌ازپیش درگیر خود کرده است. گزارش مجله روانشناسی اجتماعی در سال ۲۰۰۱، حاکی از آن است که حمله به مسلمانان از ۳۵۴ مورد، به ۱۵۰۱ مورد پس از این واقعه رسیده است. (Ajili et al., 2016: 77)

در بعد اجتماعی، شاهد انواع خشونت کلامی و رفتاری، ایمیل‌های توهین‌آمیز، رفتارهای تحقیرآمیز، پیام‌ها و نامه‌های تهدیدآمیز، مزاحمت‌های تلفنی، تبعیض و بدرفتاری با زنان محجبه در برخوردهای روزمره شهروندان اروپایی هستیم. (Qanbarlou, 2011: 110) طبق اعلام سازمان حقوق اساسی اتحادیه اروپا، یک مسلمان از هر سه مسلمان، تبعیض را تجربه کرده است. (Nazari, 2016: 129) از دیگر شیوه‌های رایج خشونت‌ورزی می‌توان به تخریب و آسیب رساندن به اموال، حمله فیزیکی، تبعیض در محل کار و ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی، پیش‌داوری، طرد و... اشاره کرد. (Morshedizad and Ghaffari Hashjin, 2008: 124) قتل مروه الشربینی مصری‌تبار، در سال ۲۰۰۹ در دادگاهی آلمانی، از دردناک‌ترین و بارزترین نوع

خشونت علیه مسلمانان است. (Qanbarlou, 2011: 112) برآوردها حاکی از آن است که اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در جوامع غربی روند روبه‌رشدی را تجربه می‌کند، چنان‌که در فرانسه حملات علیه مسلمانان در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۹، حدود ۵۳ درصد افزایش داشته است. (Akbari, 2021: 220) یا میزان خرابکاری در مکان‌های عبادت مسلمانان در انگلیس، در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸، حدود ۵۰ درصد بیش از سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ گزارش شده است. (Ibid: 222)

از بعد حقوقی و قانونی نیز شاهد انواع ایجاد محدودیت‌ها و منع‌های قانونی از جمله ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه، ساخت مناره مسجد در سوئیس (Isazadeh et al., 2017: 9-10)، انتشار قرآن و ساخت مساجد در هلند (Nazari, 2016: 129)، برقع و نقاب در دانمارک (Akbari, 2021: 221) و همچنین قوانین سخت‌گیرانه و تبعیض‌آمیز برای مهاجرت و پناهندگی مسلمانان و افزایش تعداد دستگیری و مدت بازداشت بدون مدرک مظنونین به تروریسم از میان مسلمانان (Ibid: 223-224) هستیم.

همچنین از نظر سیاسی - امنیتی می‌توان به نشانه‌های عینی چون جنگ علیه عراق و افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ و اعمال سیاست‌های «جنگ علیه ترور» (Isazadeh et al.; 2017: 10)، واپایش و کنترل مسلمانان، شنود تلفنی، بستن حساب‌های بانکی و... (Alipour et al., 2018: 117) اشاره کرد.

به‌موازات خشونت علیه مسلمانان، اسلام و مقدسات اسلامی نیز طی سال‌های اخیر به‌شدت مورد حمله قرار گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به آتش زدن قرآن توسط راسموس پالودن، رئیس حزب راست‌گرای افراطی دانمارک (Rostamipour, 2021: 122) و تری جونز، کشیش کلیسایی در ایالت فلوریدای آمریکا (Nazari, 2016: 130)، اهانت به شخص پیامبر در رمانی به نام «آیات شیطانی» نوشته سلمان رشدی (Ajili et al., 2016: 68) و چاپ مکرر کاریکاتورهای موهن در کشورهای اروپایی از جمله دانمارک (Qanbarlou, 2011: 111)، آسیب و هتک حرمت قبرستان مسلمانان در فرانسه سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ (Akbari, 2021: 219)، افزایش حمله، تخریب و آتش زدن مساجد در فرانسه، لندن، هلند، اتریش، اسپانیا، روسیه و... (Qanbarlou, 2011: 111) اشاره کرد.

رسانه نیز به‌عنوان ابزار اصلی پیش‌برنده و گسترش‌دهنده اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

در غرب، به خصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، به طرق گوناگون مانند فیلم‌های هالیوودی، بازی‌های رایانه‌ای (Alavi et al., 2020: 62-63)، مطبوعات، نماهنگ‌های تبلیغاتی و... (Qa-) (nbarlou, 2011: 112) در حال اشاعه و تحت تأثیر قرار دادن هرچه بیشتر افکار عمومی و سیاستمداران است.

۲-۵. لایه نظام‌های علی گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب

۱-۲-۵. علل اجتماعی

۱-۱-۲-۵. افزایش جمعیت مسلمانان در غرب و تصویرسازی از این مسئله به‌عنوان تهدید

فرهنگی - امنیتی

بر اساس آمارهای موجود، جمعیت مسلمانان اتحادیه اروپا، بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۳ میلادی، بیش از دو برابر افزایش داشته (Qanbarlou, 2011: 106) و در سال ۲۰۱۱، حدود ۷/۶ درصد جمعیت کشورهای اروپایی را مسلمانان تشکیل داده‌اند. (Nazari and Salimi, 2016: 176) این تغییر موازنه جمعیتی بنا به دلایلی چون؛ مهاجرت مسلمانان به اروپا، گرویدن شهروندان اروپایی به اسلام و نرخ رشد اندک جمعیت بومی و غیرمسلمان در مقابل نرخ رشد بالای زادوولد در میان مسلمانان (Alipour et al., 2018: 98) رخ داده است.

مسلمانان جوامع غربی بیش از آنکه به هویت ملی خود وفادار باشند، به هویت دینی خود وفادار بوده (Rostamipour, 2021: 99) و مقاومت‌های جدی را در برابر هضم فرهنگی غرب از خود نشان داده‌اند. (Qanbarlou, 2011: 107) این مسئله منجر به ایجاد فضای چندفرهنگی و پاره‌پاره و تضعیف همبستگی و انسجام ملی شده و هویت ملی اروپاییان را با چالش روبه‌رو ساخته است، به طوری که در دانمارک، ۸۱ درصد رأی‌دهندگان در سال ۲۰۰۷، اسلام را تهدیدی برای هویت ملی خود قلمداد کرده (Rostamipour, 2021: 99) و «مرکز انسجام اجتماعی بریتانیا» برای مقابله با چند فرهنگی ایجاد شده است. (Ajili et al., 2016: 183)

تغییر موازنه جمعیتی در غرب، تمامیت ارضی و موجودیت نظام سیاسی دولت‌های اروپایی و آمریکایی را نیز مورد تهدید قرار داده است. (Rostamipour, 2021: 95-96)

بنابراین یکی از دلایل اصلی اسلام‌هراسی در لایه علی را می‌توان افزایش جمعیت مسلمانان و تهدید هویت و امنیت ملی کشورهای اروپایی از منظر ملی‌گرایان و نژادپرستان افراطی دانست.

۵-۲-۱-۲. باور و شناخت غلط غربی‌ها از اسلام و مواجهه تقابلی با آن

اکثریت مردم جوامع غربی دارای دیدگاه و پیش‌داوری منفی (Rostampour, 2021: 29)، تصورات غلط و ناقص (Qanbarlou, 2011: 107) و اطلاعات سطحی با منابعی نامطمئن و غیرعلمی در مورد اسلام و مسلمانان هستند که این بازنمایی غلط (که عمدتاً به واسطه شرق‌شناسان صورت گرفته است) به عامل مهمی برای تنفر از اسلام و هراس و ستیز با مسلمانان تبدیل شده است. (Fayaz and Nadi, 2019: 47) طی دهه‌های اخیر، این جهل و ناآگاهی تاریخی با واسطه‌گری سیاست‌ستمداران و به تبع آن رسانه‌های وابسته به قدرت، به نوعی عناد نسبت به اسلام و مسلمین تبدیل شده است.

۵-۲-۱-۳. رشد جریان‌ات تکفیری در جهان اسلام و وقوع حوادث و رویدادهای تروریستی در مغرب‌زمین

همواره مهم‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ در ارتباط با جریان‌های تکفیری، استفاده از ظرفیت و توان آن‌ها برای نفوذ در جهان اسلام جهت دستیابی به منافع ملی و فراملی شان بوده است. (Rekabian & Babaei, 2024: 99) «القاعده» نام گروه افراطی اسلامی است که سیاستمداران غربی در دوران جنگ سرد، برای مبارزه با شرق کمونیستی آن را ایجاد کردند. پس از فروپاشی شوروی، این گروه، غرب را دشمن اصلی خود دانسته و در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، دست به اقدام تروریستی در خاک آمریکا زد. این واقعه که منجر به کشته شدن ۲۹۹۳ تن از ۹۰ کشور جهان شد، عامل اصلی اسلام‌هراسی طی سال‌های اخیر و آغاز دور جدید تقابل تاریخی و تمدنی غرب و شرق نامیده می‌شود. (Ajili et al., 2016: 71-73)

دو مقوله رشد گروه‌های افراطی و اسلام‌هراسی، رابطه‌ای دوسویه و تشدید داری دارند که هریک دیگری را بازتولید می‌کند. در کنار حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اقدامات تروریستی در مترو لندن، مترو مادرید و ظهور گروه‌های بنیادگرای افراطی چون بوکوحرام، جبهه النصره، الشباب، داعش (Ibid: 84) و جذب جوانان اروپایی، حادثه تروریستی شارلی ابدو، قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان و... (Akbari, 2021: 205-206)، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در افکار عمومی غرب را تشدید می‌کند و از طرف دیگر، اسلام‌هراسی بیشتر، عاملی است برای تقویت احساس حقارت و از بین رفتن عزت و اعتماد به نفس مسلمانان که به تبع رشد بیشتر عقاید افراطی و ستیزه‌جویانه با غرب را به دنبال خواهد داشت. (Rostampour, 2021: 143-145)

۵-۲-۲. علل سیاسی

۵-۲-۲-۱. فریب رسانه‌ای برای توجیه مداخله‌گرایی غرب در جهان اسلام

اصلی‌ترین دلیل سیاسی اسلام‌هراسی از دید مسلمانان، توجیه مداخله و سلطه‌گری غرب در جوامع اسلامی در امتداد خط تاریخی استعمار است، (Qanbarlou, 2011: 118-121) چنان‌که بر اساس این ایده، دولت‌ها و سیاستمداران غربی به‌راحتی می‌توانند استعمار سیاسی، چپاول و استثمار اقتصادی و تجاوز و لشکرکشی نظامی به جوامع اسلامی را در دور جدید سیاست‌های استکباری و امپریالیستی خود به اجرا درآورده و مشروعیت بخشند. (Alipour et al., 2018: 105) لشکرکشی نظامی آمریکا به عراق و افغانستان و همچنین طرح خاورمیانه بزرگ با عنوان مقابله با تروریسم را می‌توان از این منظر به تحلیل گذاشت. اگر در گذشته، شرق‌شناسان تسهیلگر این امر بوده‌اند، امروزه این نقش به رسانه‌ها برای فریب و انحراف اذهان و افکار عمومی و ایجاد خطای شناختی با اسم رمز «اسلام‌هراسی» واگذار شده است. برای نمونه، پس از ۱۱ سپتامبر، جشن و پایکوبی و خوشحالی چند صد مسلمان فلسطینی بارها و بارها در رسانه‌ها نمایش داده شد در حالی که سکوت چند دقیقه‌ای چند هزار فلسطینی در همدردی با مصیبت‌دیدگان بایکوت خبری شد. (Qanbarlou, 2011: 112)

۵-۲-۲-۲. روی کار آمدن احزاب راست افراطی در غرب

یکی از مؤلفه‌های اصلی جریان راست افراطی، ضدیت با مهاجران به‌خصوص مسلمانان است، (Akbari, 2021: 213) چنان‌که پیگیری سیاست‌های اسلام‌ستیزانه در دولت‌هایی که احزاب دست راستی بر مسند قدرت هستند بیش از سایر دولت‌هاست. در واقع، با پایان جنگ سرد، عامل اصلی انسجام و وحدت گروه‌های راست افراطی از مقابله با جریانات چپ و کمونیستی به دشمنی با اسلام و مسلمانان تغییر کرد. (Rostamipour, 2021: 115-117) از جمله اقدامات آن‌ها می‌توان به دفاع از محدودسازی ساخت مساجد در ایتالیا، اعتراض به کمک مالی دولت به اجتماعات مسلمانان در بلژیک و هشدار «جبهه ملی فرانسه» در مورد تهدید مسلمانان برای حاکمیت ملی اشاره کرد. (Morshedizad and Ghaffari Hashjin, 2008: 120)

۵-۲-۲-۳. رشد اسلام سیاسی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل

رویداد مهمی که در تعمیق و تشدید اسلام‌هراسی در غرب تأثیر بسیاری گذاشت، وقوع انقلابی

اسلامی و دینی در ایران به‌عنوان مهم‌ترین متحد غرب در منطقه ژئواستراتژیک، ژئوکانومیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس در سال ۱۹۷۹ میلادی بود. این انقلاب چالشی برای سکولاریزاسیون، غربی‌سازی جهان و نظم نوین بین‌الملل محسوب می‌شد، چنان‌که از نظر فوکو «شاید این نخستین قیام ضد نظام‌های جهانی باشد...» (Ajili et al., 2016: 59-68)

پس از یک دوره افول تاریخی و تمدنی، جهان اسلام به دنبال بازبانی و احیای هویتی و دستیابی به جایگاه تمدنی خود در عرصه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... بوده (Ameri Golestani and Qaderi, 2013: 140) و به پیشرفت‌های قابل توجهی نیز دست یافته است. همین امر، سیاستمداران غربی را به تکاپو برای مقابله با افزایش قدرت جهان اسلام واداشته و اسلام‌هراسی را موجب شده است. (Alipour et al., 2018: 116)

۵-۲-۲-۴. هراس بنیادین از احتمال قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در عرصه سیاست

موج فزاینده گرایش و اقبال به اسلام در میان اندیشمندان و غیرمسلمانان بومی (Akbari, 2021: 225)، در کنار خیزش و فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا (به‌ویژه اسلام‌گرایان رادیکال) در کشورهای اروپایی و آمریکایی طی دهه‌های اخیر (Qanbarlou, 2011: 118) و احتمال به قدرت رسیدن آن‌ها (Ibid: 109)، موجب نگرانی فزاینده شهروندان و دولت‌های غربی شده و کابوس «یورویا» را رقم زده است. این واژه از ترکیب واژه‌های اروپا و عربی، بدین معنی است که در پایان قرن ۲۱، غرب تبدیل به بخشی از تمدن اسلامی و دارالاسلام می‌شود، شریعت اسلامی و عرب‌زبانان شهرهای اروپایی را اداره می‌کنند و مناره مساجد جای کلیساها را خواهد گرفت. (Rostamipour, 2021: 89-90) وجود و ترویج چنین تفکری موجب هراس هر چه بیشتر شهروندان و سیاستمداران از قدرت گرفتن مسلمانان خواهد شد.

۵-۲-۳. علل اقتصادی

۵-۲-۳-۱. بحران مالی غرب به علت حضور مهاجران مسلمان

همواره در تمامی جوامع و حکومت‌ها، مسائل مربوط به اقتصاد، اشتغال، بیکاری، معیشت و... از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای در میان مردم برخوردار بوده و هرگونه خلل و اختلال در این مقولات، واکنش‌های اعتراضی و بعضاً خشونت‌بار را به دنبال داشته است. از این رو، بحران اقتصادی و مالی در اروپا و افزایش تعداد جوانان بیکار طی سال‌های اخیر، موجی از بدبینی

نسبت به حضور فزاینده مهاجران به‌ویژه مسلمانان را به‌عنوان بار اضافه‌ای بر گرده اقتصاد پدید آورده (Akbari, 2021: 206) و سبب تشدید اسلام‌هراسی و حتی تبدیل آن به اسلام‌ستیزی شده است. (Sabbaghian et al., 2021: 72)

۲-۳-۲-۵. رشد اسلام سیاسی و به خطر افتادن منافع اقتصادی غرب در مرکز انرژی جهان (خلیج فارس)

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن جریان ضد غرب، منافع اقتصادی دول آمریکایی و اروپایی در مرکز انرژی جهان (خلیج فارس) به خطر افتاد. آنان برای دستیابی به منافع خود و ورود مجدد به این منطقه مسلمان‌نشین دست به اقدامات گوناگونی زدند. حمله به افغانستان و عراق به بهانه‌های اسلام‌هراسانه نمونه‌هایی از این اقدامات است.

۳-۲-۵. علل تاریخی

ریشه تاریخی اسلام‌هراسی در غرب را می‌توان به دو دوره پیش از ظهور اسلام به‌صورت تقابل و تنازع زیست‌بوم غرب با مرکزیت یونان و زیست‌بوم شرق با مرکزیت چین، هند، ایران و جهان عرب و پس از ظهور اسلام با دوره‌های رفت و برگشتی غالبیت و مغلوبیت اسلام و غرب نسبت داد. (Rostamipour, 2021: 64-65) دوره ۱۴۰۰ ساله پس از ظهور اسلام را نیز می‌توان به دو بخش پیش و پس از رنسانس تقسیم نمود. در دوره پیش از رنسانس، برنده تقابل فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی غرب مسیحی و شرق اسلامی، عمدتاً مسلمانان هستند در حالی که دوره پس از رنسانس جایگاه غالب و مغلوب تغییر کرده و کشورهای اسلامی مستعمره غرب می‌شوند. آنچه امروزه به‌عنوان ریشه‌های تاریخی اسلام‌هراسی در غرب مطرح است، مربوط به دوره پیش از رنسانس به‌ویژه جنگ‌های خونین صلیبی بین سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌های اروپایی است. ۹ جنگ طی ۱۷۵ سال که فتح اندلس توسط مسلمانان نقطه عطف آن و ازجمله اصلی‌ترین عوامل تاریخی ترس، وحشت و نگرانی غرب از اسلام و مسلمانان است. (Ajili et al., 2016: 44-45)

۲-۵. ریشه‌های گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در سطح نظام جهان بینی - گفتمان ۱-۲-۵. بر ساخت از اسلام و شرق به‌مثابه دیگری غرب (غیریت‌سازی)

گفتمان‌ها مفهوم و تصور ما از جهان، و اینکه چه چیزی واقعی یا غیر واقعی است را شکل می‌دهند. (Norouzi & Firouzkouhi, 2025: 321) هر گفتمان برای ساختار بندی و تعیین

مرزهای هویتی «خود»، نیازمند وجود «غیر»، «دیگری» یا «دشمن» است، چراکه تنها با «غیریت‌سازی» است که می‌تواند معنا یافته، تثبیت و تقویت و به تفوق و برتری رسیده و هژمون شود. (Ajili et al., 2016: 58)

سعید معتقد است گفتمان غرب برای تقویت و تکمیل هویت خود، دست به تولید «شرق» به‌عنوان «غیر» در قالب گفتمان شرق‌شناسی زده و مفهوم «خود» را در تقابل با این «غیر» بر ساخته (Ibid: 38) که بر اساس آن «ما» یا «غرب» مظهر تمام صفات مثبت و «آنها» یا «شرق» مظهر تمام صفات منفی تصویر و تصور می‌شود. (Ibid: 65)

در امتداد گفتمان شرق‌شناسی و با پایان جنگ سرد، اسلام جایگزین کمونیسم و به عاملی برای بازتولید گفتمان غرب تبدیل شده و (Akbari, 2021: 206) با استفاده از ابزار رسانه، به‌عنوان یک کل یکپارچه، تهدیدگر فرهنگ و ارزش‌های غرب، فروتر، متحجر، نابردبار و خشونت‌بار (Seyyed Emami and Hosseini Faeq, 2012: 101-102)، و به‌طور کلی «دشمن» غرب معرفی و اسلام‌هراسی را موجب گشته است.

۵-۲-۲. تقابل و تنازع تمدنی و تاریخی اسلام و غرب

ریشه‌های تاریخی تنازع و تقابل دو تمدن اسلام و غرب را می‌توان به دوره‌های پیش از ظهور اسلام (تقابل دو تمدن باستانی غرب (یونان) و شرق (ایران)) یا دوره‌های پس از ظهور اسلام (جنگ‌های عقیدتی - سیاسی صلیبی بین غرب مسیحی و شرق مسلمان) ارجاع داد، اما آنچه این سیر تاریخی تقابل را از لایه علی به لایه گفتمانی می‌برد، نوع برداشت و جهان‌بینی دو تمدن از یکدیگر است، چنان‌که به اعتقاد برخی اندیشمندان، این دو تمدن در اصل، ذات، سرشت، جهان‌بینی و حتی کمال مطلوب در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار دارند و «هیئات که این دوگانه به یکدیگر برسند.» (Ajili et al., 2016: 29-30) برنارد لوئیس معتقد است اسلام تمام جهان غیر از خود را دارال‌حرب دانسته (Rostamipour, 2021: 88)، هیچ اشتراکی با دیگر فرهنگ‌ها و مذاهب نداشته و اساساً نمی‌تواند با دیگر تمدن‌ها از در صلح درآید و در مقابل نیز تمدن غرب خود را برتر از تمدن اسلام و آن را تهدیدی علیه فرهنگ و ارزش‌های خود تلقی می‌کند. (Ibid: 39) هانتینگتون نیز روابط میان دو تمدن غرب و اسلام را «آبستن بروز حوادثی خونین» و کانون اصلی درگیری‌های آینده دانسته (Huntington, 2007: 23) و به اسلام‌هراسی اعتبار می‌بخشد.

۳-۲-۵. واکنش تدافعی مسلمانان در برابر مدرنیته غربی

برخلاف سایر تمدن‌ها، جهان اسلام هیچ‌گاه برتری، تفضل، نفوذ و سلطه فرهنگی - تمدنی غرب را برنتابیده و همواره به مقابله با آن پرداخته است، (Sharafuddin et al., 2018: 126) چراکه مسلمانان معتقد به برتری مطلق فرهنگ خود بوده (Rostamipour, 2021: 103)، تسلط طاغوت یا غیرمسلمانان بر مسلمانان را نپذیرفته (Zarean and Amir Mazaheri, 2016: 112)، همواره به صیانت از ایمان خود در برابر کفار پرداخته (Huntington, 2007: 30-31) و برخی وجوه اندیشه‌ای و مظاهر مدرنیته را در تعارض و تضاد با عقاید اسلامی خود دانسته‌اند. وقوع انقلاب اسلامی ایران از جمله واکنش‌های تدافعی جهان اسلام به ارزش‌های تمدن غربی است (Alavi et al., 2020: 57) که موجبات هراس جوامع غربی از اسلام و مسلمانان را فراهم آورده است.

۴-۲-۵. فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی در غرب

اسلام‌هراسی را می‌توان به‌عنوان شعبه‌ای از فرهنگ غیرستیزی و بیگانه‌هراسی تاریخی در غرب و متأثر از مفهوم «زنون فوبیا» دانست. این واژه در فرهنگ و ادبیات غرب، به معنی نفرت و ترس شدید از امر خارجی است که هویت ملی، دینی، قومی و نژادی را مورد تهدید قرار دهد. (Rostamipour, 2021: 25-26) بر این اساس، اسلام به‌عنوان تهدیدی دینی، جایگزین سامی ستیزی و یهودستیزی گشته (Ajili et al., 2016: 61) و به‌عنوان تهدید قومی - نژادی، ذیل مهاجرستیزی و آسیایی‌ستیزی (Rostamipour, 2021: 41-43) معنا و مفهوم یافته و واکنش‌های اسلام‌هراسانه را در میان غربی‌ها به بار آورده است.

۵-۲-۵. انحطاط فرهنگی و بحران معنویت در تمدن غربی

به علت جدایی دین و اخلاق از همه بنیادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، علی‌رغم پیشرفت‌های ظاهری و مادی، بارقه‌های انحطاط معنوی، فرهنگی و اخلاقی و گرایش به پوچی و آشفتگی اجتماعی در تمدن غربی آشکار به نظر می‌رسد.

از نظر طراحان نظریه برخورد تمدن‌ها، تنها راه نجات فرهنگ مدرنیته غربی، که در آستانه انحطاط و فروپاشی قرار گرفته است، درگیر کردن همه تمدن‌های دیگر و به نحوی «غیریت‌سازی» از آن‌ها به‌خصوص تمدن اسلامی است. (Nikunahad, 2023: 11-12)

۴-۵. ریشه‌های گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب در سطح نظام اسطوره- استعاره

۴-۵-۱. نبرد آخرالزمانی (جنگ تمدن‌ها) به وقوع می‌پیوندد

مسیحیان صهیونیست یا راست معتقدند ظهور مسیح در آخرالزمان مستلزم پیروزی یهودیان در جنگ بزرگی به نام «آرماگدون» است که طی آن، دشمنان یهود و مسیح از سمت شرق حمله‌ور شده و در منطقه‌ای بین فلسطین و اردن از یهودیان شکست خواهند خورد. در خلال این جنگ‌ها، مسیح (ع) ظهور و ضمن نجات یهودیان، آنان را به مسیحیت هدایت و صلح و امنیت جهانی برقرار خواهد شد. این تصویر و تصور آرمانی از آخرالزمان، را می‌توان به‌عنوان یکی از دلایل اسلام‌هراسی در غرب ذکر کرد، (Qanbarlou, 2011: 115) چراکه طبق این نگرش، اسلام دشمن اصلی مسیحیت و یهود است، (Jamshidi and Zanganeh, 2012: 51) چنان‌که بوش پسر، صراحتاً در حمله به عراق و مبارزه با تروریسم از ادبیاتی مذهبی و موعودگرایانه استفاده می‌کرد. (Taheri and Aziz Khani, 2014: 87)

۴-۵-۲. غرب مرکز عالم و نژاد غربی برترین است

هیوم معتقد است «هرگز ملت متمدنی از سایر ابناء بشر به جز سفیدپوستان وجود نداشته است، نه یک اثر متعالی بین آن‌ها وجود دارد و نه تولیدات مبتکرانه‌ای؛ نه هنری و نه علمی.» رنان نیز غرب را اصیل و برتر و شرق را «فاقد تاریخ و افسانه‌ای بی‌اهمیت» معرفی می‌کند. (Sharafuddin et al., 2018: 122) بر این اساس، انسان غربی با رد ریشه‌های شرقی تمدن و فرهنگ معتقد است علم، فلسفه، هنر و فرهنگ ریشه‌های یونانی دارد و شرق نماد تاریکی و غرب نماد دانش و تمدن (Ajili et al., 2016: 30-31)، غرب ذاتاً برتر و مرکز عالم و شرق حاشیه آن و فروتر است. (Ibid: 37) ولتر با دیدی نژادپرستانه، سیاهان را «حیواناتی انسان‌نما» و جورج اورول آن‌ها را «مواد قهوه‌ای‌رنگ غیرقابل تمایز» خطاب می‌کند. (Sharafuddin et al., 2018: 122)

بنابراین نه تنها از منظری تمدنی، بلکه از نظر قومی و نژادی نیز غرب، قائل به برتری خود بوده، سایر هویت‌ها را بی‌ارزش دانسته (Morshedizad and Ghaffari Hashjin, 2008: 132) و بر اساس این انگاره و استعاره ذهنی، به مقابله با هر آن چیزی می‌پردازد که بخواهد یا بتواند مخل این برتری ذاتی، نژادی و جغرافیایی شده و آن را زیر سوال ببرد که از جمله آن‌ها و طی دهه‌های اخیر، اسلام است که با رشد روزافزون خود، به خطری جدی برای هژمونی و انگاره

برتری غرب تبدیل شده است. (Rostamipour, 2021: 45-47)

۳-۴-۵. لیبرال دموکراسی نظام فکری بدون رقیب است

فوکویاما با طرح نظریه «پایان تاریخ» معتقد است؛ با پایان جنگ سرد، جهان وارد مرحله نهایی و پایان تاریخ شده که در آن هیچ رقیبی برای نظام لیبرال دموکراسی غربی وجود نداشته و این نظام شکل نهایی حکومت در جهان بشریت است. (Jahanbin and Parto, 2015: 150) این در حالی است که با رشد اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی در جهان، نظام غرب با چالش جدیدی روبه‌رو شده که هراس از اسلام را به دنبال داشته است. چنانچه فوکویاما نیز اخیراً در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین به‌نوعی از نظریه خود عدول کرده و معتقد است؛ «اسلام تنها دینی فرهنگی است که مدرنیته غربی را تهدید می‌کند.» (Farshadgozar, 2015: 191)

۶. سناریوهای آینده اسلام‌هراسی در غرب

بر اساس لایه‌ها و علل گوناگون، به‌طور کلی می‌توان از سه سناریوی؛ ادامه وضع موجود (تثبیت و تداوم)، خوشبینانه (اصلاح) و بدبینانه (تشدید)، ذیل عناوین شکاف گفتمانی اسلام و غرب، گفت‌وگوی تمدنی اسلام و غرب و تقابل تمدنی اسلام و غرب نام برد.

جدول ۱. سناریوهای آینده اسلام‌هراسی در غرب

وضعیت: تثبیت و تداوم	وضعیت: اصلاح وضعیت: تشدید		نظام‌های علمی
	شکاف گفتمانی اسلام و غرب	گفت‌وگوی تمدنی اسلام و غرب	
لايه‌های شکل‌دهنده اسلام‌هراسی در غرب			
افزایش جمعیت مسلمانان در غرب و تصویرسازی از این مسئله به‌عنوان تهدید فرهنگی-امنیتی	✓	✓	✓
باور و شناخت غلط غربی‌ها از اسلام و مواجهه تقابلی با آن	✓	✓	✓
رشد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و وقوع حوادث و رویدادهای تروریستی در مغرب‌زمین	✓	✓	✓
فرب رسانه‌ای برای توجیه مداخله‌گرایی غرب در جهان اسلام	✓	✓	✓
لايه نظام‌های علمی			

وضعیت: تثبیت و تداوم	وضعیت: اصلاح وضعیت: تشدید	شکاف گفتمانی	گفت‌وگوی تمدنی	تقابل تمدنی	اسلام و غرب	اسلام و غرب	اسلام و غرب	تغلیق‌های علمی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	لایه‌های شکل‌دهنده اسلام‌هراسی در غرب
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	روی کار آمدن احزاب راست افراطی در غرب
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	رشد اسلام سیاسی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	هراس بنیادین از احتمال قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در عرصه سیاست
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	لایه نظام‌های علی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بحران مالی غرب به علت حضور مهاجران مسلمان
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	رشد اسلام سیاسی و به خطر افتادن منافع اقتصادی غرب در مرکز انرژی جهان (خلیج فارس)
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	علل و ذهنیتهای تاریخی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	برساخت از اسلام و شرق به‌مثابه دیگری غرب (غیریت‌سازی)
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	تقابل و تنازع تمدنی و تاریخی اسلام و غرب
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	واکنش تدافعی مسلمانان در برابر مدرنیته غربی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	لایه جهان‌بینی - گفتمان
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی در غرب
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	انحطاط فرهنگی و بحران معنویت در تمدن غربی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	نبرد آخرالزمانی (جنگ تمدن‌ها) به وقوع می‌پیوندد
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	لایه استعاره-اسطوره
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	غرب مرکز عالم و نژاد غربی برترین است
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	لیبرال دموکراسی نظام فکری بدون رقیب است

سناریو اول: شکاف گفتمانی اسلام و غرب

بر اساس این سناریو، شاهد تثبیت و تداوم روندهای موجود در نوع رابطه اسلام و غرب هستیم؛ یعنی هنوز به مرحله صلح و جنگ، تقابل و تنازع یا گفت‌وگو و آشتی این دو نرسیده و با پابرجایی علل استعاره-اسطوره و به تبع آن گفتمان-جهان‌بینی و لایه نظام‌های علی، شاهد وقایعی، مانند آنچه در حال رخ دادن در لایه لیتانی است، هستیم. در این سناریو، تضادها در مرحله گفتمانی باقی مانده و هنوز به مرحله تمدنی نرسیده است و آنچه به‌عنوان لایه آشکار مسئله دیده می‌شود در سطح غیرنخبگانی و رسانه‌ای است.

سناریو دوم: گفت‌وگوی تمدنی اسلام و غرب

این سناریو مطلوب‌ترین و خوشبینانه‌ترین سناریو ممکن برای آینده اسلام‌هراسی است که بر اساس آن رابطه اسلام و غرب روند اصلاحی را از پایین‌ترین سطح (استعاره-اسطوره) تا بالاترین سطح (لیتانی) در پیش گرفته است. در این سناریو، دیگر غرب خود را نژاد برتر ندانسته و همه نژادها محترم‌اند، لیبرال دموکراسی تنها شکل مطلوب حکومت و پایان تاریخ نیست، فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی در غرب تبدیل به فرهنگ نوع‌دوستی شده و مهاجران و بیگانگان شهروند درجه دو خطاب نمی‌شوند، مسلمانان بر خوردی منطقی و متعادل و فرصت‌محور با مدرنیسم دارند، با همراهی علما، شناخت صحیح از اسلام صورت گرفته و اسلام دیگری و دشمن مسیحیت یا غرب نیست، از ظرفیت مهاجرین برای عبور از بحران مالی در غرب استفاده می‌شود، مفهوم اسلام سیاسی به‌درستی از تروریسم و داعش جدا شده، گرایش‌های راست افراطی طرفداران خود را از دست داده و به مدار عقلانیت بازمی‌گردد، افزایش جمعیت مسلمانان به‌عنوان فرصتی فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. در این سناریو، به‌جای شکاف‌های گفتمانی و تقابل‌های تمدنی، شاهد شکل‌گیری گفت‌وگویی مسالمت‌آمیز و هم‌افزا میان تمدن‌ها خواهیم بود.

سناریو سوم: تقابل تمدنی اسلام و غرب

این سناریو برخلاف سناریو دوم، بدبینانه‌ترین و نامطلوب‌ترین سناریو ممکن برای آینده روابط اسلام و غرب در قالب اسلام‌هراسی است، چراکه در این سناریو تمامی علل اسلام‌هراسی در تمامی سطوح، حالتی تشدیدبی به خود می‌گیرد و این دو تمدن را تا مرز تقابل و تنازع می‌برد،

به طوری که در صورت وقوع آن، در لایه لیتانی شاهد جنگ‌های خونین، کشتار بی سابقه و نسل‌کشی عامدانه خواهیم بود. در این سناریو، لیبرال دموکراسی نه تنها نظام فکری بی‌رقیب، بلکه بی‌بدیل است، همچنان غرب مرکز عالم و نژاد غربی برترین است و لازمه این برتریّت پاک‌سازی نژادی است، هر لحظه به نبرد آخرالزمانی نزدیک می‌شویم و دنیا در تدارک وقوع این جنگ تمدنی است، فرهنگ بیگانه‌هراسی از بیگانه‌ستیزی عبور کرده و به بیگانه‌کشی می‌رسد، مسلمانان هرچه بیشتر موجودیت و هویت خود را در ضدیت با مدرنیسم تعریف کرده و هیچ نوع تعامل فکری، فرهنگی، گفتمانی را بر نمی‌تابند، تنازعات تاریخی و تمدنی اسلام و غرب توسط رسانه‌ها در صدر افکار عمومی قرار گرفته و اسلام در اعلاترین درجه، دیگری و دشمن غرب و مسیحیت معرفی می‌شود. در این سناریو، بحران مالی غرب روزبه‌روز بیشتر شده و انگشت اتهام هرچه بیشتر به سمت مهاجرین و مسلمانان می‌رود، غرب با استفاده از ابزار نظامی خواهان بازیابی منافع اقتصادی خود در مرکز انرژی جهان یعنی خلیج فارس است که همانا مرکز جهان اسلام نیز هست، سراسر قدرت اروپا و آمریکا به دست احزاب راست افراطی افتاده و با تحریف و تصویرسازی‌های غلط از اسلام، همچنان اسلام با تروریست پیوند یافته و گروه‌هایی مثل داعش، القاعده، طالبان و... نماد اصلی اسلام معرفی شده و افزایش جمعیت مسلمانان در غرب از تهدید فرهنگی به بحران امنیتی تبدیل می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

گسترش روزافزون قدرت نرم و فرهنگی اسلام و موج فزاینده گرایش به اسلام به‌ویژه در جوامع اروپایی و آمریکایی، موجب ایجاد نوعی استیصال، انفعال و درماندگی در میان سیاستمداران راست افراطی و نژادپرستان غربی شده و آنان را واداشته تا از تمام ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی در لایه‌های گوناگون علل اجتماعی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، امنیتی و...)، علل گفتمان - جهان‌بینی و علل استعاره - اسطوره‌ای تعارض‌آمیز بین دو تمدن غرب و اسلام استفاده کرده، اسلام را دشمن درجه یک هویت، تمدن و ارزش‌های غربی معرفی کرده و موجی از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را در جوامع غربی رقم بزنند. به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، به‌واسطه تبلیغات سوء رسانه‌ای، افکار عمومی تحت تأثیر قرار گرفته و توهین به مسلمانان و مقدسات اسلامی در رأس حرکات نژادپرستانه قرار گرفته است.

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته و برای پاسخ به این سوال که ریشه‌ها و علل گسترش

اسلام‌هراسی در غرب مبتنی بر روش تحلیل لایه‌های علی در برگیرنده چه علل و عواملی است؟ در لایه‌ها و سطوح گوناگون می‌توان به مواردی چون افزایش جمعیت مسلمانان در غرب و تصویرسازی از این مسئله به‌عنوان تهدید فرهنگی - امنیتی، باور و شناخت غلط غربی‌ها از اسلام و مواجهه تقابلی با آن، رشد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و وقوع حوادث و رویدادهای تروریستی در مغرب زمین، فریب رسانه‌ای برای توجیه مداخله‌گرایی غرب در جهان اسلام، روی کار آمدن احزاب راست افراطی در غرب، رشد اسلام سیاسی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل، هراس بنیادین از احتمال قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در عرصه سیاست، بحران مالی غرب به دلیل حضور مهاجران مسلمان، رشد اسلام سیاسی و به خطر افتادن منافع اقتصادی غرب در مرکز انرژی جهان (خلیج فارس)، بر ساخت از اسلام و شرق به مثابه دیگری غرب (غیرت‌سازی)، تقابل و تنازع تمدنی و تاریخی اسلام و غرب، واکنش تدافعی مسلمانان در برابر مدرنیته غربی، فرهنگ بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی در غرب، انحطاط فرهنگی و بحران معنویت در تمدن غربی، ضعف گفتمانی غرب در برابر منطق اسلامی، اعتقاد به نبرد آخرالزمانی (جنگ تمدن‌ها)، باور به مرکزیت و برتری غرب و نژاد غربی، اعتقاد به نظام لیبرال دموکراسی به‌عنوان نظام فکری بی‌رقیب در جهان و... اشاره کرد و سه سناریو شکاف گفتمانی اسلام و غرب، گفت‌وگوی تمدنی اسلام و غرب و تقابل تمدنی اسلام و غرب را برای آینده اسلام‌هراسی در غرب محتمل، ممکن یا مطلوب دانست.

۸. راهبردهای مواجهه با اسلام‌هراسی در غرب

- ۱) تلاش کشورها و ملت‌های اسلامی برای معرفی اسلام واقعی به ملت‌ها و دولت‌های غربی.
- ۲) بهره‌گیری از ظرفیت مسلمانان مهاجر و ساکن در کشورهای غربی برای تصویرسازی مطلوب از اسلام.
- ۳) تلاش هماهنگ و مستمر رایزن‌های فرهنگی کشورهای اسلامی برای زدودن چهره نامطلوب از اسلام در نزد افکار عمومی غربی.
- ۴) پرهیز از دامن زدن به تقابل‌های گفتمانی و تمدنی، پیگیری حقوقی و بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی در مقابله با اقدامات اسلام‌ستیزانه دول غربی.
- ۵) مقابله با گسترش افراط‌گرایی و رادیکالیسم اسلامی.

۶) بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین رسانه‌ای و ارتباطی جهت برقراری ارتباطات فرهنگی و گفتمانی با ملت‌های غربی.

۷) دعوت و تشویق افکار عمومی غرب به‌ویژه نخبگان فکری و دانشگاهی به مطالعه منابع اسلامی و قرآن کریم برای آشنایی بیشتر با معارف اسلامی و آموزه‌های صلح‌طلبانه آن.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Ajili, H., Ghasemi, R., & Daneshnia, F. (2016). *Actors of the discourse of Islamophobia in the West*. Institute of Andishesazan Noor Studies. [In Persian]
- Akbari, N. (2021). Intensification of Islamophobia in Europe: Factors and consequences. *Journal of International Media*, 6(1), 205–234. [In Persian]
- Alavi (Abraqoui Kargar), A., Abdullah, A. M., Rahbar, A. A., & Hassanzadeh, S. (2020). Explaining the effects of Islamophobia and Iranophobia on cultural relations between Iran and the West in the post-Islamic Revolution. *Journal of Islamic Revolution Studies*, (59), 49–72. [In Persian]
- Alipour, A., Mojaradi, S., Hayat Moghadam, A., Alizadeh, A., & Junaydi, R. (2018). Strategies of defense and countering Islamophobia. *Defense Strategy Quarterly*, 16(63), 95–121. [In Persian]
- Ameri Golestani, H., & Qaderi, N. S. (2013). A discursive view of Islamophobia. *Islamic World Political Research Quarterly*, 2(4), 129–153. [In Persian]
- Euronews Persian. (2020, October 21). France: Two women stabbed near Eiffel Tower—Investigation: Racism or religion? <https://parsi.euronews.com/2020/10/21/france-2-women-stabbed-near-eiffel-tower-investigation-racism-or-religion> [In Persian]
- Farshadgozar, N. (2015). Pegida, Shirley Hebdo... Islamophobia project or Fukuyama's discourse. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 15, 185–194. [In Persian]
- Fayaz, I., & Nadi, Z. (2019). The role of intercultural communication in confronting the challenge of Islamophobia in the world with phenomenological knowledge. *Journal of Cultural Studies and Communication*, 55, 33–61. [In Persian]
- Hosseini Asfidavajani, S. M. (2005). Building the concept of the West in international relations. *Journal of Political-Economic Information*, 215–216, 106–119. [In Persian]

- Huntington, S. (2007). *Theory of clash of civilizations; Huntington and his guest* (M. Amiri Vahid, Trans., 7th
- Inayatullah, S. (2013). *Analysis of the layers of causes: Theory and studies of an integrated and revolutionary methodology of future research* (Vol. 1; M. Manzavi, Trans.). Defense Science and Technology Future Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute. [In Persian]
- Inayatullah, S. (Ed.). (2004). *The causal layered analysis reader*. Tamkang University Press.
- Issazadeh, A., & Sharafuddin, S. H. (2017). Clash of civilizations theory: A concept for understanding Islamophobia. *Journal of Fundamental Western Studies*, 7(2), 37-62. [In Persian]
- Issazadeh, A., Sharafuddin, S. H., & Akhavan Alavi, S. H. (2017). Fields and milestones of media Islamophobia. *Marafet Cultural and Social Journal*, 30, 5-30. [In Persian]
- Jahanbin, F., & Parto, F. (2015). Future scenarios of the international system and the position of the Islamic world. *Strategic Policy Research Journal*, 13, 147-168. [In Persian]
- Jamshidi, M. H., & Zanganeh, P. (2012). Pathology of justice in the political schools of the contemporary world. *Journal of Islamic Revolution Research*, 2, 35-62. [In Persian]
- Karipek, A. (2020). Portrayals of jihad: A cause of Islamophobia. *Islamophobia Studies Journal*, 5(2), 210-225.
- Milani, N., & Abazari, Y. (2006). Representation of the concept of the West in student publications. *Journal of Sociological Studies*, 26, 97-122. [In Persian]
- Morshedizad, A., & Ghaffari Hashjin, Z. (2008). Islamophobia in Europe: Roots and factors. *Political Science Journal*, 6, 113-140. [In Persian]
- Nazari, A. A. (2016). Identity processes in the West and the representation of

- policy on fear: The context of Islamophobia. *Journal of Public Policy*, 2(3), 119-140. [In Persian]
- Nazari, A. A., & Salimi, B. (2016). Multiculturalism, Muslim diaspora and Islamism in France: An analysis of radical Islam. *Islamic World Political Research Journal*, 18, 171-194. [In Persian]
- Nikunahad, A. (2023). Investigation of the causes and roots of insulting the holy Quran in Europe. *Basaer Strategic-Political Monthly*, 441, 10-14. [In Persian]
- Norouzi, P., & Firouzkouhi, M. (2025). The function of Laclau and Mouffe's discourse theory in strengthening the external deepening of the Islamic Revolution. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World Quarterly*, 7(23), 316-350. [In Persian]
- Qanbarlou, A. (2011). September 11 and the spread of the phenomenon of Islamophobia in the West. *Contemporary Political Essays of the Institute of Humanities and Cultural Studies*, 1(2), 103-122. [In Persian]
- Rekavian, R., & Babaei, M. (2024). Explanation of the formation contexts of Salafi-Takfiri movements in the Islamic world. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World Quarterly*, 6(20), 85-110. [In Persian]
- Rostampour, S. (2021). *Islamophobia and the strategies of the media to deal with it*. Religion and Media. [In Persian]
- Sabbaghian, A., Koshki, M. S., Safavi, H., & Khaksar, A. M. (2021). The consequences of Islamophobia for British Muslim women based on the theory of moral panic. *Scientific Journal of Women and Culture*, 12(48), 69-82. [In Persian]
- Said, E. (2011). *Orientalism* (L. Nakhai, Trans., 2nd ed.). Amirkabir Publications. [In Persian]
- Salari, M. (2020, October 21). Knife attack on two women in Paris: Investigation into possible racist motive begins. *Euronews Persian*. <https://persi.euronews.com/2020/10/21/france-2-women-stabbed-near-eiffel-tower-investigation-racism-or-religion>

- Seyed Emami, K., & Hosseini Faeq, S. M. M. (2012). Areas of the growth of constructed Islamophobia in Britain. *Political Science Journal*, 132–99. [In Persian]
- Sharafuddin, S. H., Akhavan Alavi, S. H., & Isazadeh, A. (2018). Strategies of the phenomenon of Islamophobia based on Orientalism. *Stratazh Magazine*, 87, 115–140. [In Persian]
- Taheri, I., & Azizkhani, A. (2014). Comparative study of the influence of Shia and Christian meta-narratives on Iranian and American politics. *Shia Journal*, 44, 65–98. [In Persian]
- Zarean, A., & Amir Mazaheri, A. M. (2016). Examining the theory of reading based on developments in the last two decades. *Journal of Teohretical Policy Research*, 19, 93–124. [In Persian]
- Zarshenas, S. (2013). *Theoretical foundations of the modern West*. Education Publishing House (affiliated to the Supreme Leader's Representation Institution in Universities). [In Persian]